



جلسه ۱۴

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۰۹ - ۱۵ شهر شوال ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالانه ۱۲ تومان خارج ۱۲ تومان داخل ۱۰ تومان
نك شماره: يكقران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۰۹ # (۱۰ شوال ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) شورایچه متمم لایحه انحصار تجارت خارجی از ماده ۸
- ۳) موتم و دستور جلسه بعد - غنم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر است آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس چهارشنبه سیزدهم اسفند ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند #

رئیس - آقای دادور
 دادور - قبل از دستور
 رئیس - آقای فهیمی
 فهیمی - قبل از دستور.
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؛ (نایبندگان
 غیر) صورت مجلس تصویب شد
 بعضی از نایبندگان - دستور.
 شورایچه متمم لایحه انحصار تجارت خارجی از ماده ۸
 رئیس - ماده هشت قانون انحصار مطرح است.

ماده ۸ - خارج کردن اجناس ورودی از گمرک
 که ورود آنها بقید صدور محصولات ایران است مشروط
 بارانه تصدیق صدور محصولات ایران بپیمان مالالتجاره
 ورودی که از گمرک خارج می شود قطع نظر از هویت
 صادرکننده خواهد بود ولی برای خارج کردن اجناس
 مذکوره فوق تا اول تیرماه ۱۳۱۰ ممکن است دعوض
 ارائه تصدیق صدور تهدت قابل قبول و مطمئن که متنها تا
 اول شهریور ۱۳۱۰ بپیمان مالالتجاره ورودی تصدیق
 صدور محصولات ایران ارائه شود قبول گردد.

عین مذاکرات مشروح چهاردهمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه. (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰)

دائرة تند نویسی و تقریر صورت مجلس

اسامی غائبین که شدن صورت مجلس خوانده شده است:

غائب ۱) اجازه - آقای و آقا زاده سرواری - فقیهین بی اجازه - آقایان : تیور تاش - حاج محمد رضا بهمانی - آشتیانی -
 اعظم زنگ - ارواب کیمرو - عمل - آقا رضا مهدوی - موقر - مسعود تاشی - دکتر شایقی .
 غیر اینها کسان بی اجازه - آقایان : دکتر امیرالم - طهرانی - احمدی - بیات ماکو .

تیمبر - دادن اجازه خروج از گمرک بدون نامه های خاصی که وارد گمرک شده است برای نشان دادن به مشتری آن مجاز خواهد بود ولی در موقع خروج مجموع جنس نمونه های مذکور نیز در جزه نتهاد وارد کننده محسوب خواهد شد.

رأی سیب مرتضی وثوقی - از این ماده بنده اینطور

شخصی که خودش جنس وارد میکند آن شخص ملزم باشد که جنس خارج کند ناپاکه برود جواز صدور یعنی دستور صدور از دیگری تحصیل کند و باورد اراکه دهد و بعد برای خودش جنس وارد کند زیرا این شخصی که با جواز ورود دادیم رفته است تصدیق صدور از دیگری گرفته است خودش در مقابل این جنس واردی جنس صادر نکرده است این است و بد اینچا که مینویسد قطع نظر از هويت صادرکننده بنده میخوام عرض کنم که قطع نظر از هويت صادرکننده باشد یعنی واردکننده باهويت خودش ملزم باشد که جنس صادر کند اینطور که از برای هر ورودی ملزم صدور و با بدهند هر کسی که جنس صادر کرده است او هم جنس وارد کند حالا برای چه ؟ مقصود این نیست برای اینکه شخصی که جنس وارد کرده است جنس صادر نکرده است و دیگری جنس صادر کرده تصدیقش را آورده اما اگر قطعه نظران به ناعال واردات و صادرات باشد ممکن است این را ناخذ قرار بدهید. آنوقت عرض کردم این با ماده سیزده کسی نویسد اشتباهی که جنس صادر میکند باید مدی مد اسرار خارجی فروخته منافات دارد برای اینکه دیگر هیچوقت همچو چیزی عمل پیدا نمیکند برای اینکه اشتباهی که جنس صادر میکنند تصدیق صدورشان را بدیگران میدهند که میخواهند جنس وارد کنند دیگر چرا می آیند صد دسد اسرارشان را بدون فروخته و این ماده اصلاً موضوع پیدا نمیکند مقصود من سراین ماده است که عرض میکردم ماده سیزده منافات دارد مقصود این بود که اسرار سیزده مینویسد اشتباهی جنس صادر میکند باید مدی مد اسرارش را بدون فروخته وقتی که ما شرط ورود را دستور قرار دادیم همان تصدیقی که دیگری باو داده که صد در صد اسرارش را بدون فروخته میاورد اراکه میدهد جنس وارد میکند بدون اینکه خودش جنس صادر کند باشد پس قطع نظر از هويت صادرکننده را اگر از این ماده بر میداشتم این مقصودی را که بنده عرض می کنم ناپس می شود و هماطور که بنده دیروز عرض کردم مقصودمان این بود اشتباهی که کلیتاً جنس وارد می

کند یا مدی مد اسرار خارجی فروخته شد در مقابل آن باصلاح ... بنده آقای دشتی گفتند ما در ضمن با ما تا آن گنبد که سالی چند میلیون قن جنوب که صادر می شود در مقابل آن جنس وارد کنند. بنده عرض کردم اشتباهی که از قن جنوب سهایی دارند و مانعی میرسد دهه مدهم و سیستم مدهم دارند در سال مانی منافع میرسد مدی مدی مدی مدی سی مدی سی منافعشان با بود اسرار خارجی فروخته میشوند وارد کنند مناسب ندارد اشتباهی که انتیاز یک معدن دیگری را دارند یا سرب یا چیز دیگر چندین هزار سرب می خواهد خارج کند البته باید مدی مد اسرار خودش را بدون فروخته اما اگر شرکت بدقت دارد باید منافعش را مدی مد بدون فروخته. بنده عرض می کنم این بود بنده هم در ماده ده که مربوط با این ماده است عرض می کنم.

سپهی وزارت اقتصاد مالی - نظر آقای

باشند و چند طبقه تقسیم شوند کدام صادرکننده باشند کدام واردکننده باشند ما این نظر را نداشتیم بقصد ما تبدیل صادرات و واردات بود هر کسی میخواهد این کار را بکند برای ما هیچ فرقی نمیکند بلاما این نظری که شما می فرمایید تمام تفکیکات اجتماعی و تجاری را که برهم میزند . یک عده زیادی تجارت میکنند که فقط صادرکننده هستند و یک عده هم فقط واردکننده هستند اما با این تمام تمام اطلاعات و ممولات و کار آنها را از نشان سلب کنیم و بگوئیم صادر کردن و وارد کردن هر کدام مخصوص یک طبقه یعنی باشد این معنی ندارد هر کسی که جنس صادر کرد اگر استعداد او را و اسباب کار و تجربه جنس وارد کرد نیز داشته باشد خودش وارد کند و هیچ تاقضی هم با ماده سیزده ندارد برای اینکه در گذشته بیرون از بین وقت اسرارش را نخواهد فروخت و تمهیدی خواهد کرد که مطابق این جنس صادر بکند اما اشتباهی که استناد و تجربه وارد کردن ندارند و واردکننده نیستند خوب این تصدیق صدورشان را میدهد تا بخر دیگر که جنس وارد کند اینهم با تاقضی ندارد ماده سیزده من نیتانم دیگر کدام قسمتش تاقضی دارد برای این سکه صادر کننده اسرارش را می فروشد بدون وارد کننده که جنس می خواهد وارد کند اسرار آن اسرار است می خورد و جنس وارد میکند و بنظر بنده این بهتر است تا اینکه ما با بیاییم تمام تجارت را اختصاص یک طبقه بدهیم و بگوئیم حتی آن طبقه هم وارد کنند هم صادر کنند. (افسر - صحیح است)

رأی سیب - آقای موید احدی

مؤید احدی - چون دیروز که بنده عرض کردم را در ماده ۱۶ بر من رساندند با اینکه از آنجا می خواهم کردم که بر عرایض بنده توجه نفرمایند معلوم شد که جوابی که دادند که بنده را عرض نکرد (کرد) با اینکه عرایض بنده آفلوری که باید عرض شود بیع ایشان رسید با بنده فرمایشات ایشان را تفهیمم از این دو قسم خارج نیست عرض کنم بنده اعتراض این بود که ما شرط ورود مال التجاره خارجی را بنگاه ایران دستور

مال التجاره از ایران قمار صادر و بسیار کار خوبی هم هست که بالذات و ابرامان صادرات داشته باشیم لیکن پاک اشکالی بنظر بنده آمد و آن اشکال این است که صادر کننده بیتر مال التجاره های ایران نتواند خانه ما و کبابهای خارجه هستند که اغلب آنها هم تجارت ورودی میکنند آنرا میکنند یعنی میکنند آهای که الشافه تجارت ورودی میکنند حاجت میدهم بآنها و این کار را ما بآنها منحص میکنیم که تجاری که مال التجاره صادر میکنند همقدر وارد کنند این حق را همین آنرا که ما میدهم تجار ایرانی که وارد کنند هستند یعنی حق میگیریم باید که شانزده بنده و برودند مال کارشان مثل ذوق در کرمان کبابهای هستند که قالی میخرند حنا میخرند زیره میخرند پسته میخرند و اینها همه نیمه خارجه هستند تا بحال آنها معامله تجارت واردات نمی کردند فقط تجارت صادرات میکردند . عجالتاً حق دادیم بآنها که معادل این میلیی که صادر میکنند واردات را هم وارد بکنند و آنوقت عرض کنم از سه قسم خارج قسمت (دکتر طاهری - مجبور نیستند) (بکنفر از نمایندگان - اجازه دارند) عرض کنم مجبور که البته بیستند اجازه دارند که این کار را بکنند حالا این اجازه را یا خودش عمل میکند یا اینکه متقبل میکند به تجار وارد کننده مجانی میدهند ؟ غیر يك بولي خواهد گرفت (طاهری - رخ بازار) آنوقت اگر مقداری که خودش وارد کرده بولي نداده . مقداری که تاجر وارد کننده از او خریده است البته بولي داده آنوقت جنس او کران وارد میشود برای اینکه بولي که داده است باید بگذرد روی قیمت جنس آنوقت بکلی ورگشت خواهد شد و از میان خواهد رفت فقط جوابی که آقای منیر به بنده داده فرمودند رت منحصری نیست تجار ما میخرند بکننده به خارج ممکن است تجار داخلی هم باشند البته هستند لکن به یقین بجلی که آنها حل میکنند . بلکه اشکال آنرا که ما چهل و پنج میلیون صادرات داشته باشیم شاید چهل میلیون آن را آنها صادر میکنند و

عرض کنم خدمتتان تریاک را مثل زدن متذکران میکند بقی اخیر ماده سیزده که صادر کننده اشیاء انحصاری بیش از صدی بیست اجازه داده میشود پس او دفع از این میشود

وزیر عدلیه (آقای داور) - کچه ما بنده عزم يك قسمت از فرمایشاتشان را جله قبل کرده و آقای غیرهم جواب دادند و بنده هم يك چیز تازه فخواهم گفت ولی معذالک يك قسمت از فرمایشات آقای بنده وارداد کرد که بیام اینجا و خواهش کنم که این مسائل را درست توجه کنند و بند هم اگر ضروری ندانند باید و آقایان هم موافقت ندانند باشند گزارش نکنیم آن مسئله راجع به تجار خارجی است مناسفانه در مذاکرات این چند جله راجع بقسمت تجارت خارجی يك بیبانی شده که اگر يك اشخاصی فقط آن بیانات را بخوانند و از روحیات و طرز فکر و زندگی ما اطلاع نداشته باشند و اتفاقاً تصور میکنند که ما يك مردی هستیم که اساساً با خارجیها يك نظر ناساعدی و بدی داریم بجهت اینکه هر قسم از صحبت های آن جله را نگاه کنیم راجع باین مسئله تجار خارجی يك صحبتی بوده است و اگر اجازه بدید عرض کنم شاید بعضی عبارات شبیه باین بوده است که يك بقی بوده است (انسر - قسمی نداشته اند) چون این قضیه نیست و بنده هم میدانم همین جهت است که میخواهم عرض کنم که مطلب را با آنطور که مقصودتان هست خوب است بیان کنم (انسر صحیح است) يك عده از مردم خارجی در این مملکت زندگی میکنند همطور که يك عده از ایرانیها در خارج که در عطف مختلفه زندگانی میکنند پس مادر عین اینکه باید متوجه باشیم و هیچکس در ایندو شوق حق کله هم ندارد و افراد مملکت خودمان را از نقطه نظر احساسات بدبکران ترجیح میدهم مثل اینکه دیگران هم افرادشان را ترجیح میدهند برافراد ما ولی از نظر قانون و رویه ما فرقی گذاشته ایم فرقی هم نمیکند (صحیح است)

حالا بر میگردم بند از این مقدمه با صل و طلب که آقای مرفر باید يك عده اشخاص هستند که اینها صادر کننده هستند آقای مرفر مانند خارجی بنده عرض کنم که غیر خارجه ای با ایا داخل در اینقسمت تقارونی ندارد و باید داشته باشد پس يك عده اشخاصی هستند صادر کننده هستند ایراد آنها اوقت اینطور میشود باین عبارت در میاید که اگر نباشد شما واقفاً باین ترتیبی که ما فرار گذاشتیم بنده رای بدیم آنوقت شما میاید و يك کاری میکنید که صادر کنند ما تمام واردات را هم درست خودشان میگیرند . فرمایش آقای این است ایرادشان باید این باشد . کاری هم ندارم از کدام ملت است . اگر نباشد چیزی از این مملکت پنج نفر صادر کننده بود از افرادی که این قانون پنج نفر می خواهند بیاید و تمام واردات را درست بگیرند این ترتیب منتر است ولو اینکه این پنج نفر تمام از آن ایرانی های صحیح النسب بی غلبه غش و عیبی باشند که تا زمان داریوش کبیر همینطور سلسله انبیاشان برسد خودداریورش با وجود این به عقیده بنده بد بود اگر این پنج نفر میامند و این کار را در دست میگیرند (صحیح است) صرف نظر از اینها میخواهم عرض کنم آیا اصلاً در این قانون يك ماده است که اثرش این نتیجه بر بیاید ؟ بنده خیال میکنم و تصور میکنم که اشتباه از این جا حاصل شده که ما نوشته ایم صادر کننده صدق صدور داده میشود شد و بعد گفتیم برای جواز ورود هم باید تصدیق صدور نشان داد . آنوقت بنظر این طور میاید که هر کسی تصدیق صدور داشت باید حتماً باو جواز داد . بنده اصلاً در این قضیه تردید دارم که از مواد این طور بر آید . ما شرط را این طور قرار دادیم ولی اگر نباشد (فرس است) دیگر) بنده که يك نفری هستم که تا درود هیچ تجارت نمیکردم با يك تجارت خیلی مختصری داشتم اگر بنده موفق شدم و آدم فردا تمام تصدیق صدور بیکه اشخاص داشتند از زمان خریدم .. لي صادر کننده ها را هم رقم دیدم

و تصدیق های صدورشان را هم دیدم دولت باید بیاید و تمام واردات مملکت را بدهد بدست من ۱۲ نفر . بیاید بدهد . برای اینکه يك عده زیادی از افراد مملکت را در آواز کارخواهد ساخت برای اینکه احتکار بالعلیه بيش میاید و ایجاد میشود (صحیح است) پس این مسئله را با ما باید مخلوط کنیم بقی این دو سه مسئله را . باید هرکس که جواز بدیم هم تصدیق صدور مطالبه کنیم چرا ؟ برای اینکه بدایم جنس از مملکت صادر میشود برای اینکه معادله صادرات و واردات جان درست شود . اما نه اینکه هر کس تصدیق آورد ما مجبور باشیم حتماً بدیم در این قسمت است که عرض میکنم لازم بود و بسی باقیست ما در این مواد ماضیل داخل جزایش بشود و اینجا هم اثراتش را معین کنیم . در اینجا بقصد باید دولت يك قدری باز باشد تا اگر يك عده خواهند احتکار کنند و تمام واردات را منحص بخودشان بکنند جلوگیری کند و با آنها جواز ندهد . آن شخص وقتیکه بالعلیه دید که از يك حد معینی بیشتر جش جواز داده نخواهد شد مجبور خواهد شد تصدیق خودش را بفرشد و اگر يك قیمت عالی فروخت اشخاص هم تحمل خواهند کرد که تا سه ماه بگذرد و چون سه ماه گذشت دیگر اعتبار ندارد و دولت خودش آنوقت آن چیز را خواهد داد بنا براین سعی خواهند کرد که بايك قیمتی که زیاد باشد آن جواز را باشخاص دیگری انتقال بدهند . يك ایراد دیگری آنرا کردند که آن ایراد هم بقصد بنده وارد نبود فرمودند تصدیق صدور را وقتی فروخته شدت وارد کردند قیمتی را که داده است برای تحصیل تصدیق صدور روی جنس کتید و بنا براین آن جنس کتان تر میشود این ایراد تازه مربوط بخارج و غیر خارج است مربوط بومه است و کلی است . بنده این ایرادشان را الا این باین عبارت در میاروم که تصدیق صدور در صورتیکه دارای قیمت شود منتر است . مطلب ایشان این بود . یعنی تصدیق صدور اگر روش قیمت گذاشتند قیمت جنس

کران می بود. این کابینه وارد و اختیاری است تصدیق
تصدیق کرد در دست خبری است بدار. در دست
هر کسی که باشد کران بشود. زیرا وقتی تصدیق قیمت
پیدا کرد باطلین آن کسی که خریدار است آن پول را روی
چشم خودش خواهد کشید. البته این ترتیب است
عین و دارد ولی خوب بالا بدینست چنانچه روز دهم
نهار ۱۱ البته هر عین آنها دارای جنبه های مختلف است
ممکن است درش يك نوایندی بروز کند و از طرف م
يك بشود بر جای داشته باشد.

وقتی شیا تصدیق صدور در دارای قیمت خرید مسلم
است که وارد کننده که تا بیروز از برای وارد کردن
محتاج بگرفتن تصدیق و پرداخت يك باهمی در مقابل
آن نبود امروز که اینکار را میکنند ناچار است آن قیمت
و دروی چسب بکشد ولی از طرف دیگر فائده که این ترتیب
در تنویق صادرات دارد آیا بزرگ است اینست
خیال میکنم این کار يك قسم مشوق و محرک است برای
اختصاصی که در صادرات کار می کنند و داوطلب اینکار
بودند. زیرا يك فایده مهمی برای آنها که تا بحال نداشته اند
جایم می شود و حالا می بیند. البته آقایان شنیده اند
و همه آقایان میدانند که در خارجه معمول بود است
که در بعضی مواقع برای بعضی مال التجاره با بعضی
دولت ها يك بریب و جایزه های بیادیدان اختصاصی که
آن جنس ها را صادر کنند و علف آنکه دیده می شد
در سابق که قیمت يك مال التجاره در بازار داخله
خود آن مملکتی که آن جنس را صادر میکرد کمتر
بود تا در خارجه برای همین بود که دولت بان اختصاصی که
آن جنس را صادر میکرد يك جایزه میداد خوب.
حالا ما آمده ایم عرض اینکه دولت بریب بدجه این بریب
و جایزه را مابین صورت در آورده ایم که هر کسی که
چشم صادر کند بتواند آن تصدیق خودش را ببرد و
بفرشد و يك پولی هم بگیرد و فایده ببرد بنده خیال
میکنم این تنویق صادرات است و لرا آنکه عرض کرد

واردات را يك خوردم کران بکند ولی بدین است
قبضتی که روی جنس خواهد خیل کران نخواهد بود
چرا برای اینکه نمی توانند آن تصدیق صدور را هم قبضتی
که بفرهاند بفرشند. اگر خواستند از آن جد اجتناب
کنند بدت میکنند. برای اینکه اختصاصی بدهاند این
تصدیق صدور بدت از سه راه دیگر اعتبار نخواهد داشت
و آقوت اگر باسرا هم بفرشند دیگر کسی نتواند
خرید ولی اگر يك مبلغ کم برای این تصدیق در اینست
تغایر کند باها داده میشود و این اشکال هم ندارد
بلکه بقیه بدت میدهد است. بنابراین بنده خلاصه میکنم
اعراض آقرا. این است که اگر بخواهم بگویم
در صورتیکه صور کنیم تصدیق صدور در دست هر کسی
بوده که یا در جواز بدیم بنده عرض میکنم در این ترتیب
داره برای اینکه این مادم را باید کلاشت و در موقع عمل
دیدم شد که مادم بطور ایست که نوشته شده که
تاب هر دو صورت را دارد یعنی اگر در موقع عمل بدیم
يك اختصاصی بفرهاند و واردات را بنحصر بخودشان بکنند
البته آقوت از يك راه دیگری جلوگیری میکنم و سی
کدامیکه واردات بدست چند نفر بیفتد بقیه دارم نیم
آقایان در این قیمت بایند موافق هستند که نباید
واردات بدست عده محدودی بیفتد اگر در آن قیمت
دیگر ایرادشان وارد شود که مسئله تصدیق صدور
و قیمت آن است. آقرا هم عرض کرد که اولاً این
بنحصر بخاری ها نیست و کتت وارد وقتی تصدیق
صدور قیمت پیدا کرد جنس قدری کران میشود آن ایراد
قدری وارد است ولی از طرف دیگر فایده ای يك
نتیجتی است از صادرات.

بنده سه نامه می نویسد و آقای وزیر عدلیه توضیح فرمود
از آنها که ناچار صادر کننده هستند و اگر در عیان
بنده سه نامه می نویسد و آقای وزیر عدلیه توضیح فرمود
از آنها که ناچار صادر کننده هستند و اگر در عیان

حاج امین اصطفایی - البته بنده با فرمایشات آقای
وزیر عدلیه موافقت ولی يك قسمی که فرمودند تجار
داخلی و غیر داخل فرقی ندارند. بنده عرض میکنم
و همی با حق این طور نیست برای اینکه يك جا حالی
است که تجار جا هم می توانند تجارت
کنند و تجار آنها هم در داخله جا تجارت می کنند
خواستن تذکر بدهم که جا با همه ممالک این طور نیستیم
زیرا يك ممالکی هستند که تجارشان در مملکت یا
تجارت می کنند ولی تجار جا در آنها نمیکنند
(صحیح است) يك قسمت دیگر اینکه تصدیق صدور
را اگر باید هم بسکسی که همه را از تجار خریدم
می خواهد این اجناس واردانی را خودش وارد کند
این جلوگیری می کند. و علاوه این با عیارانی که
بطور تخریب و تمسیل در مادم ده نوشته شده مخالف
است. در اینجا می نویسد: ۱ تصدیق نامه ای مذکور در
طرف سه راه حق تمسیل جواز ورود اجناس مذکور
در فقره ۱ مادم ۵ در موافق مبلغ صادرات به ارائه
دهند میدهد ۱ این جا موین نگردد که ارائه دهند
که باید باشد چه باشد انحصار میکنند نکند ممنوع

خود داده ام عرض میکنم هیچ فایده و نظیر سولی بخار جها
نمانند بلکه چنانچه عرض کردم خیلی از آنها متکرم
که قلم بزرگ صادرات بارها آنها صادر میکنند ولی بنده
صرف نظر از قیمت (و بخواهد خارجی باشد یا داخلی)
و ایالت که آقای وزیر عدلیه فرمودند در صادر کننده
وارد کننده بود (ولایت هر کسی باشد) اما نظر اول
بنده را که آقای وزیر عدلیه تصدیق فرمودند و تا موین
شد بعایت اینکه فرمودند جواز ورود را و بنحصر ا جاز
کننده ما بدهیم دولت البته در نظر بگیرد که در صورت
اختیاری شود در قسمت دوم فرمودند برای تنویق صادر
کننده است. بنده استدعا میکنم این پری خیلی زیاد
باشد که تجار داخله از میان بروند.

ولیس - پیشنهادات قرائت میشود:
پیشنهاد آقای دکتر طاهری
وقلم وضع ریاست مجلس شورای ملی
تبره ذیل را مادم ۸ پیشنهاد میکنم:
۱ - خارج کردن اجناسی که قبل از تقسیم اصفاد
۱۲۱۹ بگورگ وارد شده مقید باراله تصدیق صدور با
تجدد ارائه تصدیق صدور نخواهد بود
پیشنهاد آقای حاج ویرا حسیب الله امین
مادم ۸ را بنده ایالتور پیشنهاد میکنم
خارج کردن کلیه اجناس ورودی از گورگ که ورود
۱۲۱۹ شروع عملی خواهد کرد و برای تاول بر ماه
۱۲۱۹ ممکن است در عرض ارائه تصدیق صدور تهیه
قابل قبول و موافقین که منتها تا اول شهریور ۱۲۱۹
بهتران مال التجاره ورودی تصدیق صدور معمولات ایران
ارائه شود قبول کرد
ولیس - مادم هم قرائت میشود:
مادم ۹ - باستانی واردی که دولت خود تصدیق
صدور معمولات ایران شده یا حق انحصاری صدور
خود را عملاً بسکسی دیگر واگذار نماید صدور
سایر اجناس مقید به هیچ قدری جز آقرا می که قانونا
در موقع صدور باید رعایت شود نخواهد بود.
(مهاضی بود)

ولیس - مادم هم قرائت میشود:
مادم ۱۱ - در موقع صدور محصولات ایران اداره
گورگ مملکت است که مخصوصا محصولاتی را که صدور
آنها بر طبق این قانون اجازه ورود اجناس خارجی را
بدهد بدقت تاوین کرد و قیمت حقوقی صادرات مزبور

را مطابق نرخ محل دفتر صدور مین نماید. مبلغ صادرات مزبور و اسامی صادرکنندگان و مقصد صدور دردفتر مخصوص ثبت نخواهد شد و برطبق تقاضای صادرکننده از طرف گمرک صندیق صدور با ذکر مبلغ اجناس صدور و اسم صادرکننده و مقصد صدور داده می شود تصدیق نامهای مذکور دردفتر سهام حقی تحصیل جواز ورود اجناس مذکوره دردفتر (۱) ماده ۵ را مبادیل مبلغ صادرات باوجه هفتده میدهیم و درموقع دادن جواز ورود تصدیق نامهای صدوری ضبط خواهد شد. در صورتی که اقتضا سهام تصدیق نامهای مذکور برحق تحصیل جواز ورود ارائه نمود از درجه اعتبار ساقط بوده و وسائل صادرات مینه در تصدیق نامها خود دولت متبذوره اجازه وارد کردن اجناس ورودی ملاحظه در قمره (۱) ماده ۵ را بهر کسی که میخواهد بدستبرد تقسیم واردات مزبور و و مزرانی که بیک شخص یا مؤسسه یا اداره داده می شود و طرز تقویم مالالتجاره می باشد و ورودی و صادرات و زمین مازبورین و محل تقویم برطبق نظامنامه مخصوصی بعمل خواهد آمد اجناس ورودی نیز مطابق قیمت محل دفتر ورود تقویم خواهد شد

رئیس - آقای طهرانی

میرزا حسن بیگلریک طهرانی - عرض کنم اولاً چون همانطور که آقای وزیر عدلیه اظهار داشتند ممکن است از مذاکراتی که شده اینطور، نظر آید که بنگ نظر بدی مثلا نسبت به تاجار خارج باشد خبر اینطور نیست ولی تاجارم بده بنگ مصلحتی را عرض میکنم. چون امروز بنگ روزی است که ما بخواهیم مطالب را بگوئیم ما با خارجیها از اولاً معامله متغایر که باید داشت باشیم. اگر امروز دماغته باشیم پس کسی خواهیم داشت تا اگر بنگ مدلسکی غیر از ایران با تاجار ایرانی اجازه ندهد که در آنجا افراد ما تجارت بکنند آیا ماضی نخواهیم داشت که به تاجار آنها حتی ندیم که آزادانه در مدلسک ما تجارت کنند ۱۱ آیا ماضی معامله متغایر همین نیست ۱۱

این را که حق داریم پس اگر حرفی هم در این جا زده شده روی همین نظر بوده است. بعد الله امروز دولت مقدر است. همانجا بداربند آگاه و مطلعین اینجهان را کمالاً رعایت و ملاحظه کنید که هرطور ما ما معامله میکنیم همانطور هم شما که دولت و سرپرست هستید بنگ کاری بکنید که ما هم با آنها همان معامله را بکنیم و الا البته تاجر صادرکننده چنانچه باشد چه خارجی باشد فرقی نمیکند. اما در این ماده ده اینجا با تاجاری دارد که جنس های صادره در گمرک قیمت می شود و قیمتش را که مینویسند (ساده اش این است) این را زده نمی فهم. گمرک چاپور قیمت مینویسد این را زده نمی فهم برای اینکه اجناسی که در مملکت صادر می شود چنین قیمت است. چنین در دست مینویسد اینها وقتی که از گمرک خارج میشود گاهی میشود که بنگ تاجری بنگ جنسی را با اختیار اینکه در اروپا بنگ قیمت های زیادی دارد خارج میکند ولی وقتی که رسیده به آن محل از سایر نقاط عین همان جنس را به آن محل وارد میکنند آنوقت قیمت این جنس ارزانتر می شود آنوقت قیمتش را چه طور مینویسند یکبیکه این چه چیز است. مگر اینکه بدهد اینجا صورتش شما دوکار میکند یا قیمت تخمینی مینویسد یا اقلاً وقت فروش چون این جنس را که خارج میکنند در یکجای فروش بپردازند فروش های که خارج می شود مثل فروش های ایران نیست. بنگ نوشته یک چیزی دارند که ارائه بدهند (حالا بدهد آن اصطلاح را بدهد) آن تصدیق نامه فروش مثلا سند فروش در دفتر هامبورگ را با فرض براینکه مال خنک دیگرار ارائه بدهند و آن قیمت که جنس را بفرش رسانده آنرا ممکن است میزان صادرات قرار دهید بعد از شرح و تکرار وجه وجه (توجه کنید) ولی اگر پایه و میزان را در گمرک بکنیم که گمرک قیمت تعیین کند قیمت جنس را بعد جواز صدور بدهد باز همانطور که عرض کردم (حالا بیخواهم تکرار کنم) عقیده من این است که فوراً در اشکال میشود. گمرک کم تقویم میکند. زیاد تقویم میکند اسباب زحمت و دودر

دولت و دیگر فراموش بود. ولی ممکن است همان صادرکننده را الزام بکنید بنگ چیزی اینجا اضافه کنیم که جنسی را که خارج میکنیم و آن مؤسسه آن جنس را بفرشند آن بکنند، بنگ نوشته یک چیزی دارند (آقایان تاجار اصطلاح را بیامند) همان را ارائه بدهند و ماخذ صدور قرار دهند. بدهد در این ماده تقویم این است.

وزیر عدلیه - در قسمت اول فرمایشات آقایان، بخواهم مذاکره کنم بنگ البته بنگ تذکری بود که بدهد نام مذکور خارج کرده تقویم ننمود بعد آقایان هم بنگ تذکری دادند که دولت البته بدهد تذکرات مینه آقایان گوش میدهیم و در نظر خواهند گرفت. اما راجع قیمت دوم و تقویم مالالتجاره که صادر می شود اولاً بدهد بخواهم فکر آقایان را این قسمت جلب کنم که این تقویم اساس تبادل ماست اگر فرض براینکه آنطور که باید تقویم شود نند و این قیمت سیرت می آید برای بنگ مالالتجاره مینویسند و بنگ قیمت بیشتر از برایش فرض کنیم مخصوصاً در مواردی که صادرکننده خودش بخواهد جنس وارد کند و بنگ مالالتجاره که بنگ قیمت مینویسد این را آمدند و دو برابر آن وارد کردند البته در این جا شاید بنگ کارگزار اشافی بود ولی چون گمرکی که برای صادرات داده می شود خیلی کم است متفک شاید در این باشد که قیمت بنگ جنس را در بعضی موارد زیاد بگویند که بعد تصدیق صدور را زیاد بگیرند اگر ما در اینجا بنگ و تقویم کنیم ممکن است که بعد از تمام این صحبت های که این چیزها در ذهن است و زحمتی که آقایان بخود داده می دهند و اقداماتی که دولت میکند تازه ما از روی رقم و حساب ستایی تبادل را ایجاد کرده باشیم و موفق تقویم که به آن مقصود برسیم و تبادل را صحیح نگه داریم بنگ جنس کمی صادر کردیم و اضافه آن را آوردیم. پس باید در تقویم دقت کرد حالا که ما این تقویم بکنیم بدقت بکنیم. البته بنگ اعتراضی آقا کردند که آن بجای خودش صحیح است باید برای آنها بنگ تذکری کرد آزارم کرده ایم. و آن عبارت از این است که امروز مالالتجاره را تقویم میکنند میفرستند به خارج این مالالتجاره در آن موقع شاید بعد از آن ایران

آمریک بنگ لاجری واقفا ضرر کرد و بنگ اسناد صحیحی هم داشت و آن اسناد صحیح را آورد و ارائه داد آنوقت دولت میگردد آن مقداری که ملتزم شده و از آن مقدار اسامی که تمهید کرده او را معاف دارد. اصل تجارت که بر روی ضرر نیست. اصل را ما باید روی تقویم بگذاریم و آن واردی را که اشخاص مدعی هستند که ما ضرر کرده ایم آن مواد را ما استثناء کنیم و در نظر بگیریم. اما صحبت سر آن اسناد صحیح است.

رئیس - آقای فرش

فرشی - عرض کنم این ماده از مواد مهم است. این قانون است و مخصوصاً فقراتی دارد که ارزش غنایست. ممکن است در نتیجه موجب ضرر صادر کنند و وارد کنند شود. **طهرانی** - بنگ قدری بلند تر. **فرشی** - بنگی از مسائل مهم این ماده تقویم مال

است. در ماده صریح نموده که آن تقویم در کجا خواهد شد. اگر در محل آن مالی که بدست میاید تقویم میشود....

ظاهرش - نوشته در کمرش.

فرشی - برای اینکه این تقویم عمل باشد معلوم است که در مراکز گمرکی باید بعمل آید. فرض بفرمایید یک فرشی یا یک بازاری از بلد بهای تقویم عوالت خارج خود این تقویم باید در بندر بهای خود یا در چلغای ایران. آیا آن اشخاصی که برای تقویم غیر هستند این ها بخارج در دولت خودش یک خیره حالی معین می کنند؟ معنی نیست اگر بخارج آید در بندر بهای تاجر خیره برای نام مال های صادر هست یا نیست؟ این هم یک سؤال است که بدینام جوابش چیست؟ (کازرونی - در جواب سابقه بکنید) این مسئله موجب زحمت است. اگر چه مالکیت خودمان مثل سایر ممالک بوسه داشتیم (به اینکه برای هر مالی که بوسی آفتابان بهتر میباشد در اروپا برای هر مالی یک بولت است. برای قوه یک بورس فروشی است و هم در آن محل که میخواستند آن قوه را بفرستند در همان شهر هم یک بورس است تاجر بورس فروش و بورس خرید را در جراند تجاری معین می کند و اگر صرفه داشت میفرستد و الا هیچ. در مملکت ما بورس نیست حتی بورس نقدی می نیست. یک بانک بورس نقدی را معین میکند که آن قیمت حقیقی مطابق بورسهای دنیا نیست. ولی در ممالک متعدده این طور نیست. برای دنیا کثیرا برای فروش برای نام چیزی بورس است. ولی در مملکت ما برای هیچ چیز بورس نیست پس مایاید رجوع کنیم به خیره این خیره ها باید در محلی ساکن باشند که آن مال التجاره یا وارد آنجا میشود یا صادر میشود. من گمان میکنم در آن نقاطی که مراکز گمرک و محل صادر و واردات اشخاصی باشند که در تمام اقسام مال التجاره حاضر باشند. این ها اشکالاتی است که این قانون تولید خواهد کرد. و بدینام چطور حل

میشود؟ قسمتی که من خیر مهم میدانم قسمت اخیرا بنام است. که میبوسید (در میزانی که یک شخص یا موسسه اجازه داده میشود و طرز تقویم مال التجاره های ورود و صادوری و تعیین مقومین و محل تقویم بر طبق نظامنامه خصوصی بعمل خواهند آمد) عرض بنده درس نظامنامه است غالباً متاسفانه سادیده ایم که نظامنامه حالی که برای فرانونی در وزارتخانه می نویسند روح قانون را کتف میکنند. یک نظامنامه می نویسند که در موقع عمل روح قانون را ملاحظه نمیکنند و طرز اجرا و دست منفعت ازرا ملاحظه نمیکنند این است که اشکالات پیدا میشود و حتی بعضی اوقات شکایت می کنند به وزارتخانه از اضاها که مسئول میدود میگویند ما ما مورد اجرائی نظامنامه هستیم بقانون کاری نداریم. این است که غالباً دیده شده و در مجلس شورای ملی هم سابقه دارد که هر قانونی که خیلی مهم است نظامنامه آن در کمیسیون مربوط خودش نوشته میشود مثل نظامنامه قانون بلایه ما که در کمیسیون داخله نوشته شد برای اینکه بهتر دقت شود و چون این قانون مهم ترین قوانینی است که تا حال در تاریخ ایران پیداشده و به مجلس شورای ملی آمده است عقیده بنده این است که نظامنامه این قانون هم یا تصویب کمیسیون اقتصاد ملی باشد تا در موقع اجرا بعمل دچار مشکلات و موجب خسارت صادر کنند و وارد کنند بنده.

دشمنی (معتبر کمیسیون اقتصاد ملی) - خود آنم فرشی عضو اقتصاد در کمیسیون این مسئله کلام بحث شده است و در مسئله تحقیق شده. قسمت از او راجع به تقویم بود که فرمودند محل تقویم را کجا معین میکنند در این موضوع یک نظر این بود که در مرکز معین کنند. یک نظر بود که در مراکز ایالات و ولایات معین شود. هر دو یک اشکالاتی داشت. از این جهت موکول شد باینکه این مسئله با نظر اداره گمرک و نظر گرفته و معین شود آلتوری که بنظر بنده میرسد تقویم کردن اجناس ایران خیلی اشکال زیادی ندارد.

کازرونی - خیلی اشکال دارد.

دشمنی - عرض میکنم برای اینکه اجناس ما یک نام های معده محدودی است که در اغلب بازارهای دنیا قبضت معین است. چند قلم بیفرو قیمت و تمام ببار در بازارها اطلاع دارند و آن اندازه که دولت در نظر دارد این است که در این کار شرکت دهد با اداره گمرک و اطلاع های تجارت و باطلیعه باطل خیره. اولاً غیره ها معمولاً اشخاص مطلق هستند و ثانیاً ممکن است که نظر اهل خیره را که عبارت از تاجر باشند جلب کنند بنظر بنده مثلاً اجناس ایران آنقدر ها اهمیت ندارد برای اینکه فرض بفرمایید کثیرا را میفرستیم به بندر بهای. کثیرا قبضت در بازار رشت و طهران معلوم است و اگر تفاوت داشته باشد در حق مدد شاهی ای می شاهی تفاوت دارد بیشتر از این تفاوت ندارد. خوب فرض کنیم که کثیرا ها هم مختلف باشند مستخدمین گمرک کور نیستند و اینقدر هم احق نیستند که فرق نگذارند. (کازرونی - آفتابشطور نیست - اطلاع ندارید) شما مطلع نیستید از امور تجارت؟ عرض میکنم در قسمت مقومین بنظر بنده اشکال زیادی ندارد. آقا در قسمت نظامنامه عرض میکنم این جا که نمیشود نام جزئیات و تکات فرعی را هم در قانون معین کرد در قانون باید چیزهای کلی را معین کرد. جزئیات را باید در نظامنامه معین کرد. حالا میفرمایید بعضی از نظامنامه ها مختلف قانون است بنفیده بنده اگر اینطور شد مجلس موجود است و باید دولت را استیضاح کنند که چرا یک نظامنامه نوشته که مخالف با روح قانون است. نظامنامه را باید هیئت دولت بنویسد نظامنامه همیشه عبارت است از تفاسیل اجرای یک قانونی اگر دولت نتواند یک نظامنامه بنویسد که معین روح قانون باشد تا مجلس شورای ملی است که از آنها بازخواست کند به عقیده بنده نظامنامه هم لزوم ندارد بیاید بکمیسیون اقتصاد ملی برای اینکه نظامنامه معمولاً در هیئت وزراء می رود و در آنجا بحث میشود

ممکن است آقای فرشی پیشنهاد بکنند که نظامنامه این کار هم به کمیسیون اقتصاد بیاید

دشمنی - آقای پاسانی

پاسانی - عرض میشود مسئله قیمت اجناس و محل تقویم و اینهاقدر ها مورد نظر بنده نیست زیرا که در یک جایی بقیه بنده باید تقویم بعمل بیاید رجای منبسط و محظوظ هم اداره گمرک است و اتفاقاً بیاناتی که آقایان فرمودند له و علیه میباشد میباید اثر کرد هم آنها را که به صحت کردند هم آنها را که به عقیده صحت کردند زیرا که غالباً صادرات ما قیمت فروش فروش نکرده اغلب صادر میکنند برای اینکه تلافی نشود و در واردات بکنند قالی را میباید که از اینجا صادر کند ضرر میکند برای این میرسد که آن چیزی را که عوضی می آورد طوری صادر کند و تلافی نکند و راجع به از این قانون بخصوص اینطور خواهد شد صادرات را بجزر میرسد برای اینکه از واردات منفعت ببرد ولی چون یک چیزی از سلکت صادر می شود و بالاخره پول می آید در دایان مملکت خوب است و بدینجا باید مراعات بشود و چیزی را که بنده میخواهم عرض کنم خوب این یک تکرری است برای بنده پیش آمده است و شاید هم آقای وزیر عدلیه و کتیل اقتصاد سایر آقایان وزراء بیشتر مطالعه کرده اند و بنده کمتر در این مواد مطالعه کرده ام شاید فکرم تحیف باشد حالا بحث می کنم بنده در این ماده که نگاه کردم دیدم که این ماده ممکن است مقصود ما را تأمین بکند بدوشت اینکه مشکلاتی برای مردم تولید شود یا نه؟ این هم خودش یک تکرری است مابک مرتبه می بینیم که ورود موکول چندر است یا کسر بی مرتبه برعکس صادر موکول ورود است پس از مجموع این قانون اینطور مستفاد میشود که ورود موکول چندر است یعنی کسی باید وارد کند مال التجاره ب مملکت که یک چیزی صادر کرده باشد وقتی اینطور شد آن نقطه نظر و منظور ما که تعدیل صادرات و واردات است از همینجا تأمین میشود دیگر برای چه مسئله جزا را معین کرده اند بنده نمیفهم

و قلمبه ما باره بگرد گفتم تقویم در دست تو هر کس صدیق صدور در دست بود قبضتی که تو خودت مین کردی همان اندازه هم حق دار بودی بکنند معادله بالاخره در اینجاست معادله را در جای دیگر که نمیتوانیم حفظ بکنیم معادله بالاخره در اینجا حاصل میشود دیگر صدور جواز یعنی چه؟ جواز دولت بدهد / بنده ناچار هستم که یک بارالتجاره را میخواهم صادر کنم صادر هم کردم پدمم بپازند که بپردازم تقویم شده است مالالتجاره هم وارد مملکت میکند. اگر مقصود شما از مجموع اینهاست تعدیل صادرات و واردات است از همینجا حاصل میشود چای دیگر که نیست فقط یک حدی دولت مین می کند که تا این حد شما باید وارد کنید آنوقت تا ناچرمینهم اجازه ورود میدهد در وجه مالالتجاره های مین محدودی بانظار که هر کس صادر کرده است با صدیق صدور کسرا خرید معادله حق دارد مالالتجاره وارد بکنند معادله هم حاصل میشود یعنی دولت لطفه اینکه دولت بپاید یک مذاکرات پیشتر میکنند ما مورین با مردم تماس پیدا کنند مراجعات و مذاکرات تجار مرکز و لایات پیشتر شود موجبی ندارد اگر بتوانیم یک طرف و وسائل ایجاد کنیم که زحمت مردم کمتر شود بعقیده بنده بهتر است در صورتیکه مقصود هم تا بنین شود ممکن است گفته شود که خوب موضوع اسماخ خارجی از این می رود چون گفتم اسماخ را باید بیابند دولت بدهند بالاخره و قلمبه خیل انسان دقیق میشود در این مواد می بیند که موضوع اسماخ تابع تعداد صادر و واردات برای اینکه بنده صادر کننده قیمت جنس صدور خود مالالتجاره وارد می کنم دیگر این اسماخ را بنده بدولت دولت دور میه پس بدهد بمن این یک عمل زائدی است که دولت می کند برای اینکه ما گفتم بانظار مالالتجاره صادر وارد کنیم پس بهمانت اندازه صدور اسماخ را دام بدولت اجباراً قانوفاً و دولت هم مکلف است وقتی صدیق صدور مرا دید اسماخ بمن بدهد همان

اسماخی که از خود گرفته که من همان قبضتی که کردم مین کرده مالالتجاره وارد کنیم این یک عمل لوری است بعقیده بنده اگر یک تفاوت های بین بپردازد که ما را در دست بگیر دولت می آید بنده صدیق می کردم که لازم بود که مسئله اسماخ همینطور بحال خودش باشد ولی وقتیکه مناط قیمت کسرا است و قلمبه میزان ورود متوقف بر حدود میزان صدور است دیگر با اصلاح اسماخ یک نوعیت خاصی در اینجا پیدا میکنند از نقطه نظر تعدیل صادر و وارد و از نقطه نظر اینکه یک چیز زائدی که دولت بپاید مگر اینکه توضیح بدهند به بنده که اسماخ صوری هم دارد که یک اسماخی هم پیش دولت بماند که دولت مورد استفاده قرار بدهد / یکی از آقایان رفا بنده بخصوص این مسئله وارد این مذاکره می کردم فرمودند که دولت باید حساب صادرات و واردات را مین حساب بازاری های مختلفه ولایات و مرکز ایران را در دست داشته باشد و جواز را متوجه آن قسمت کنند یعنی اگر در تبریز قند زیادی وارد شد حساب سرحدلای را داشته باشد جواز بدهد اگر فرضا در مشهد چای زیادی باشد حساب سرحد باچکران داشته باشد و جواز ندهد همینطور قسمتهای جنوب بنظر بنده اینقدر قلمبه قیمت ندارد اهمیت ندارد که ما مزاحمتی برای تجار درست کنیم در سرحد گفتم ازام میکنند باید در سایر قسمتها تجار آزاد باشند برای اینکه هر چه آزادی آنها را محدود کنیم یک ضرر های دیگری دارد ولی ما میخواهیم محدود کنیم در حدی که صادرات واردات تعدیل شود مقصود این است که از مداخله دولت برای صدور جواز ضرری بتجار وارد نشود خسارتی بهتجار وارد نشود خود بنده که تاجر تشخیص میدهم ناچار مشدی هستم تشخیص میدهم که چای در بازار مشهد زیاد است دیگر دستور ندیدم برای وارد کنند خود مصلحت خود را بهتر تشخیص میدهم در صورت بنده و هر چه رفت اینطور عرض میشود از عرایض خود نتیجه میگیرم و به آقایان مجدداً عرض میکنم که این ماده

بظمانما که: فارو، بوسلای، پکتیر، که از دوری رفته این
 و همین کرده برای تقویم در صورتیکه غیر از جیب نوع
 مال التجاره، بپاردر، را که دراز از دوری سابقاً تقویماتی
 است که، در خود، گمرک بپسند آورده، و پیشتر اسباب
 شکایت تجار اینجا ایجاد میشود و کسی هم بناد آنها
 بفرستد بنده عرض، میکند دولت باید در اینجا یک فکر
 فوق العاده، اجتناب نکند که در آنجا نظار پیدا نکند یعنی
 مثل سابق اسباب شکایت، مردم نتواند این مقوم، گمرک
 چکاره، اینست، بیکلر، مستغلب است، و قمار، گمرکی شما
 که، معضوب و مخلوق نیست فرسأ، یک قیسی معین کرد
 این قیمت، اسباب اختلاف شد، قبااین تاجر و گمرک
 میفرماید ما بوسط نظامنامه معین میکنیم بقیده کرد
 همانطوریکه دولت خودش ابتداء، در ضمن پیشنهاش
 بود که هیئت مقومه عبارت باشد از تجار و غیره باسقی
 در اینجا قیود شود مثلاً فوق العاده مهم است آقای دشتی
 فرمودند راجع باجناس داخلی اینقدر ما اهمیت ندارد
 (دشتی - من گفتن نمود است) در صورتیکه چیزی
 که مهم است، و برای تقویمش اختلاف پیدا میشود
 اشتماع داخلی است مال التجاره خارجی مرجع وارد کنید
 یک بارنامه دارد بارنامه ای هم که بنموده در حق تکلیف
 کسر بر طبق آن بارنامه که در دست دارد
 قیمتش معین است عرف در مال التجاره داخلی است
 مثلاً کثیرا از بسکمن پنج تومان بلکه شش تومان دارد تا
 یکمن چهار قران شخصاً اینکه چهار قران است یا پنج
 تومان البته بنده تصدیق میکنم تا اندازه ممکن است اما
 بطور حقیقت غیر ممکن است و همچنین قالی شما اگر
 صاحبش گفت ذری پانزده تومان است گمرک گفت
 ذری سی تومان است چطور باسقی تقویم شود میگردند
 معین است این ذری سی تومانی است هیچ معین نیست
 تمام مال التجاره های ایران از این قبیل است باستانی
 تریاک که قبل از فروش پیش فروش میشود و قیمت آن
 معلوم میشود باستانی، فزایک سایر مال التجاره های ما
 نظر باینکه باید بخارنج برود و بعد از فروش معلوم

قاعی این مسئله میسر بود، یک فعل، دیگری فکر
 کنیم برای اینکه این قیمتها اگر، در قانون الان نوشته
 بود بعد از فرمای، روزی، که میخواستیم برورم، اجرا
 کنیم یک میگلای، بر خوبیم که میجو، شوم، لابلا
 یک قانون، دیگری، بیاریم، بهتر این دیدیم، که این را
 با مشارک اشخاصیکه دارای اطلاع هستند آن طریق را
 اتخاذ کنیم که پیشتر در یک بمل باشد، اگر مقومان
 این است که ما شرکت، داده، باشم، بنجار بنده عرض
 میکنم که این مقصود را عملی، خواهیم کرد، و صرف
 نظر ندهد است از این نظر اگر ملاحظه فرمائید در غیر
 میسر، هست برای این یک بعضی مواردی که تذکر دادند
 میرو باشد دولت، بنده که اینست، که بکاردار در
 نظامنامه در قانون نویسد که بعد در عمل بانکها بر بخورد
 و حلالم خیال میکنم بان مذاکره که قیلا شده بود
 آقای مخیرم همین اطمینان را داده بودند و بنده هم
 این اطمینان را، میدهم، چون ماده ده را بنده، بیینم
 یک قدری سنگین شده آقایان قانع شده باشند
 جمعی از نمایندگان - کالی است.
دکتر طاهری - بنده عرض دارم
ولی - فرماید.
دکتر طاهری - اینکه میفرمایند این ماده فدوی
 بمطل پیدا کرده است (صحت این نایندگان)،
 چرا حرف میزدی؟ (خنده) برای اینکه در حقیقت
 ماده مهمی است این ماده ام المواد این قانون است و
 انتقاد طوری تنظیم شده، که مطالبش پیچیده شده چند
 جایش باهم متضاد واقع شده، اولاً اینکه قسمت اول ماده
 با آخرش متضاد است برای اینکه اول ماده میگوید اداره
 گمرک تکلیف است تقویم را بنرخ دفتر صدور معین کند
 این اولی است آخر ماده میگوید نظامنامه محل تقویم
 را معین میکند طرز تقویم مال التجاره های ورودی و
 صدور و تعیین مقومین و محل تقویم بر طبق نظامنامه
 مخصوص بعمل خواهد آمد، خود حضرت آقای وزیر
 عدلیه هم حالا فرمودند ما باید این محل تقویم کجاست

۱۸۵
 برای تمام مال التجاره هرگز که هم فرموده است
 بر این مبنی است اولیاً در این بین باید که
 یک قانونی بود در تنظیمی که همه مال التجاره را که
 است و در مرکز قریب شود و اگر ممکن نبود در همان
 سطحی که بست می شود قریب شود و بهتر شده است نسبت
 برای آن فرموده شد تا مدتی در دست ولی در اول نامه
 در آنجا که راجع است به اجناسی که در همان مرکز می
 (طاهری) عبارت از (سبک) قیمت خلقی ملاکات
 را مطابق نرخ مقرر دفتر مذکور تعیین کرده (آنکه
 غلطی است جلوترش را) باید متوجه بود که اندازه
 اکثر آن قریب کرد) ولی این از وظایف اداره مرکز
 است اما باید پیش اداره مرکز در کجا تعیین کند در
 اسفهان هم اداره مرکز بکفر مأمور بگذارند کار
 اینجایی میخواند در آنجا عدل پستی شود همانجا
 قریب بکنند این است که در نظامنامه منین خواهد شد اما
 در قسمتی که فرموده راجع بناده هفت حالا البته
 ممکن است فرض کرد که تصدیق صدور و در موقع
 جواز ورود بدهد و یک البقی باو بدهد که البقی را هم
 در موقع خارج کردن از مرکز ارائه بدهد علی ای حال
 میکند پیشنهاد کنید و در کمیسیون مذاکره شود اگر
 لازم باشد حذف شود

همی از نمایندگان - کافی است
 رئیس - پیشنهادت قرائت میشود و رای میگیریم
 بدو بکلیت مذاکرات آقایانکه با کلمات مذاکرات
 موافقت فرمایند
 (الحال نمایندگان بر خاستند)
 رئیس - محسوب شد. پیشنهادت مربوطه بنامه ۱۰
 قرائت میشود:
 پیشنهاد آقای حاج میرزا حبیب الله امین
 بنده قسمت مادم - ۱۰ را پس از جمله معادل
 مبلغ صادرات باین نحو پیشنهاد مینماید
 معادل مبلغ صادرات و بر طبق مدتی که از طرف صادر
 کننده برای فروش اسعار بدولت تعیین گردیده بخود با
 حواله کرد صادر کنند میدهند

پیشنهاد آقای آلفه کاروانی
 پیشنهادت که عبارت از قبل بر ماده ۱۰ اجتناف بود
 در هر یک از وظایف برخی دیگر دلالان گزینی در آنجا
 عالی است تعیینی برای تعیین مال التجاره با اعتبار
 اجاره عملی تعیین خواهد شد در صورت بروز اختلاف
 در صورتی که حکایت اصلی خواهد شد
 پیشنهاد آقای دکتر طاهری
 نظام مطلق را برسد تا مدت کوتاهی
 پیشنهادت میشود قسمتی از اجاره در با منظور اصلاح
 بود -

مومن (در موقع دادن جواز ورود تصدیقنامه های
 صدوری ضبط خواهد شد) نوشته شود
 در موقع خروج از مرکز تصدیق نامه های صدور
 ضبط خواهند شد

پیشنهاد آقای فرخی
 مقام متین ریاست مقرر شورای ملی دامت خروکته
 این بنده پیشنهادت یکم بفرموده شد که علاوه
 بمره - نظام نامه اجرای این قانون پس از تصویب
 کمیسیون اقتصاد ملی بوقوع اجرا گذارده خواهد شد
 رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود:
 ماده ۱۶ - دولت مملکت است موجباً مرغوبیت
 هر یک از محصولات صدوری مملکت را تهیه کرده
 مینماید که بپوشه طرز و ترتیبی باید تهیه شود پس از
 انجام مقدمات مزبوره و اعلام آن دولت مجاز خواهد
 بود از صدور محصولاتی که مطابق نمونه و شرایطی
 بوده و بواسطه عدم مرغوبیت نسبت به حسن شهرت
 صادرات مملکت وارد مینماید جلوگیری کند

رئیس - آقای هزار جریبی
 هزار جریبی - بنده عقیده ام اینست که این ماده
 یازدهم خوب تنظیم نشده است برای اینکه جنسی که صادر
 میشود از مملکت باید بسته بازار باشد هر بازاری که
 جنسی را پسند میکند چنانچه در دو سال قبل از این
 در همینجا وزارت فوائد عامه دستور داده است مردم

کودها هستند این را منظور مثل کالیفرنیا درست کنید
 بعد از اینکه این جنس را در دماوند و خراسان درست
 کرده و وقتی که وقت دیدن زیاد این را در دماوند خریدار
 ندانند چنانچه در جنس کشمش سبز در آنجا بایمان بستو
 و نه و اگر آنجا روسیه خرید بعد ایشالی مشتری او شد
 در مقابل روسیه خرید همان کشمش سبز پس یعنی
 منافع است که در یک ولایت می پستند و در یک ولایت
 نمی پستند چون این موضوع وارد میشود خسارت و
 فروش متوجه اشخاصی میشود که تهیه مال التجاره
 میکنند بنده باین اجناس عرایضی که میکنم فرست کنید
 مثلا بنده برای امرو وزارت اقتصاد نمونه های تهیه میدهند این
 نمونه ها را ممکن است از بازار یا از جاهای دیگر خرید
 مثلا برنج را که نمونه میدهند مردم مرکز از روی نمونه
 میفرستند بازار برنج خیلی عالی رشت و میفرستند آنها
 میگردند مطابق این نمونه باید صادر بشود در صورتیکه
 از بازار روسیه مطابق این نمونه هیچ خریدار ندارد
 بپوشه آقایان نمایندگان مازندران و کیلان هستند
 و میدانند برنجی که روسیه از ما میبرد در حق مردم
 نه آن برنج صدور عالی است برنج مریض در داخله
 است این برنج به خارج نمیرود من جمله خشکبار دولت
 و هندوستان بنده علاوه بر نمایندگی البته بنده را وقتی ما
 اسباب داشتیم باین بنده را خوب درست کنیم برنجم
 خوب فروشی میرسد ولی تدارک فقط یکی درجا هست
 یکی در بندر جز است کارخانه بزرگ همان است که آن
 بنده را بوسالار صحیح تاجه بندی میکنند که بعد از آن
 بیرون بیاورند نوی کارخانه دیگر احتیاج چیزی دیگر
 ندارد بل که خالی دیگر هم در وروان است بقیه
 ندارد و باید همان بازار جنوبی را ملاک قرار داد قیمت

آن بنده باین خیلی تفاوت دارد و وقتی که گفته بودم
 باید بنده را مثل آن بنده برسرید اسباب موجود نیست
 که تهیه بکنند اسباب موجود نیست که خشک بار را
 آطور که باید تهیه بکنند برنج هم هندوستان مثل اینکه
 از خارجه وارد مملکت میشود خیلی چیزهایی است

وزیر عدلیه - اول از قسمت آخر فرمایشات آقای
 شروع میکنم که در روزنامه اطلاعات خواندند که
 دولت میخواهد حق انحصار نخودش را یک عدد از
 آقایان بجا که در روز دعوت کرده اند در وزارت اقتصاد
 ملی واگذار کند بنده روزنامه اطلاعات را خواندم

که از خارجه وارد مملکت ما میشود و یک چیزهایی
 خیلی مرغوبی است آنها هم وارد میشود و اینکه در
 احصای مرکز بنده دیدم که ۱۲۲ هزار تومان مسوفا
 ابریشمی مهیا کرده از خارجه بباران آمده ولی در مقابل
 ۱۶۶ هزار تومان از اینجا بیاورده میشود در صورتیکه
 از آنجا پیش بیرون تومان لباس از آنجا دروغ میبند
 باز از ایران بیش از دوپست هزار تومان لباس دوخته
 بیرون می رود پس باید دولت مراقبت کند
 که مال التجاره خوب بیرون و هر چه مرغوب باشد
 البته بهتر است ولی هر بازاری یک مال التجاره را
 می پستند همه یک طریق نیست و بنده در این خصوص
 یک پیشنهاد کردم و آن پیشنهاد را حالا بدم ولی
 عدم در این است که اگر ما بخواهیم بکنی بگویم که
 مطابق این نمونه وزارت اقتصاد باشد مطابق او وقتیکه کلیم
 تمام مال التجاره نمیرود بلام آقای وزیر عدلیه فرمایش
 فرمودند که انحصار داده خواهد شد ولی بپنج نفر
 چهار نفر داده خواهد شد سله تجارت منحصر به آنها
 خواهد شد ولی در روزنامه اطلاعات شب خواندم که
 امروز یک عدد تاجه رف بودند بوزارت اقتصاد و
 وزارت اقتصاد دعوت کرده بود که دولت تمام آن حقوقی
 که دارد واگذار بآنها بکند این در روزنامه نوشته بود
 هر چند آقای وزیر عدلیه این فرمایش را فرمودند که
 انحصار اشخاصی نیست شود اما چون دیدم باید بگویم
 که نمایندگان ملت همین است که در روزنامه نوشته
 است این نظور نوشته بود ولی برای اینکه ماهر تقدیر
 نمایندگان ولایات همین باید ملاحظه تمام ولایات را
 هم بکنم و دولت هم البته این رعایت را خواهد کرد و
 اگر انحصار بدهند به پنج این جا برای ولایات خوب
 نیست

وزیر عدلیه - اول از قسمت آخر فرمایشات آقای
 شروع میکنم که در روزنامه اطلاعات خواندند که
 دولت میخواهد حق انحصار نخودش را یک عدد از
 آقایان بجا که در روز دعوت کرده اند در وزارت اقتصاد
 ملی واگذار کند بنده روزنامه اطلاعات را خواندم

وزیر عدلیه - اول از قسمت آخر فرمایشات آقای
 شروع میکنم که در روزنامه اطلاعات خواندند که
 دولت میخواهد حق انحصار نخودش را یک عدد از
 آقایان بجا که در روز دعوت کرده اند در وزارت اقتصاد
 ملی واگذار کند بنده روزنامه اطلاعات را خواندم

وزیر عدلیه - اول از قسمت آخر فرمایشات آقای
 شروع میکنم که در روزنامه اطلاعات خواندند که
 دولت میخواهد حق انحصار نخودش را یک عدد از
 آقایان بجا که در روز دعوت کرده اند در وزارت اقتصاد
 ملی واگذار کند بنده روزنامه اطلاعات را خواندم

ولی چون خیلی نظر اجمالی ابراهیم ملتفت ننهد ولی اگر چنین چیزی بوده است بنده این را جداگانه بکتاب سبک که دولت همچو تصدی ندانته و همینو تصدیق هم نخواهد داشت پس با براین راجع باین قسمت که فرمودند در قسمت اخیر نوع هر قسم نگرانی آفاخواهد شد حالا بر سر این به قسمت پایانی که فرمودند در مسئله جنسی با بازار مامم های چنین چیزی در این جا نوشتیم که مخالف مصادق آن باشد مایلین جا نوشتیم که بهترین جنسی که فرضا در پارسی ممکن است مصرف شود ولو این که توانم مطابق آن جنس متخارج بریم نمونه آنرا دست کتیب و بگویم در پارسی اگر نخواهد این جنس را بدصرف برسانید باید باین جنس باشد و همان نسبت را در دست کتیب حاصل دیگری که از ما جنس میرند آنها را بد نظر نگیریم و یک جنسی که خیلی مشکل پسند است بد نظر داشته باشیم مایلین طور که نوشتیم ما نوشتیم جنسی که مرغوب باشد البته نگاه میکنند که این جنس کجا می رود و در آن جا چطور مرغوب خواهد بود و بهتر مکتبی خواهد داشت و بهتر تولید خواهد کرد آنوقت یک کاری میکنند که جنس های بد و جنس اشغال نرود و اسباب زحمت خود آن صادر کنند و آتاهای که او را تهیه کرده اند بشود و بالاخره مقصود این است حالا آقا چون پیشنهاد دادید البته آن پیشنهاد می رود در کمیسیون و اگر دیدیم که آن عبارت بهتر مقصود بود و مجلس را تأمین میکند آن پیشنهاد قبول خواهد شد اما این قسمت که فرمودند که از خارج هم جنس متزخره خیلی مایه این جا دلیل نیستود که ما هم جنس متزخره خارج کنیم این را بنده قبول ندارم باید نه جنسی که از خارج می آید اگر متزخره است بخیر و جنس متزخره هم نباید بفرستیم یعنی از نماندگان هم مذاکرات کافی است.

پیشنهاد آقای هزار جریبی

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد منتهایم ماده ۱۱ بطریق ذیل تنظیم شد:

ماده ۱۱ - دولت مکلف است موجبات مرغوبیت هر یک از محصولات سدوری مملکت را تهیه کرده

اعلام نماید که بر طبق دستور و تعلیمات دولت مراتب نامه در تهیه محصولات سدوری پسند بازار خارجه بعمل آید.

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود:

ماده ۱۲ - اداره کمرک مکلف است بوسیله داتار خود احصایه های منظمی از صادرات و واردات مملکت با تعیین اسامی وارد کنندگان و صادر کنندگان و نوع و مبلغ و میزان صادرات و واردات و ممالک مبدا واردات و مقصد صادرات نگه داشته و هر ماه خلاصه احصایه های مذکوره را با ادارات مربوطه مرکزی ارسال دارد. از طرف ادارات مربوطه میزان واردات و صادرات را تقسیم آنها به ممالک مبدا و مقصد برای اطلاع عامه منتشر خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده اسماً این ماده را زائد میدانم بدلت اینکه دستور العمل اداری است این را باید وزارت مالیه با هیئت دولت به اداره کمرک دستور بدهد که این عمل را اجرا بکنند و از این جهت بشده پیشنهاد حذفش را میکنم.

رئیس - ماده سیزدهم قرائت می شود:

ماده ۱۳ - هر صادر کننده ملزم است در ظرف مدتی که در موقع صدور تعهد خواهد کرد صدی صد اسعار خارجی صادرات خود را بمیزان فروش جنسی که در موقع صدور بعمل می آید بدولت بفروشد همین وزارت متبوانه بعضی از صادر کنندگان را کلاً یا جزه برای مدت معینی از این الزام معاف دارد اسعار مزبور در مرحله اول برای وارد کردن اجناس مذکوره در قفله ۱ ماده ۴ باید تخصیص داده شود در صورتیکه قبل از انقضاء مدت معینه برای فروش اسعار بدولت صادر کننده با اعتراضی صدور خود اجناس مذکوره در قفله (۱) ماده ۵ را در حدود جواز ورود از کمرک خارجه نمایند مصادیق عماله التاجره که وارد میکنند از تعهد استثنای او کسر خواهد شد ولی تصدیق صدور اجناسی که بطور انحصار صادر میشود

بغود صادر کننده بیش از صدی بیست اجازه ورود را نمیدهد و بقیه آن بین سایر وارد کنندگان تقسیم خواهد شد.

در صورتیکه صادر کنندگان پاره اجناسی به ممالک مدنی از الزام فروش اسعار خود بدولت معاف شوند در مقابل دولت نیز برای وارد کردن واردات آن ممالک از داین اسعار خود را می خواهد نمود.

رئیس - آقای بو شهری

بو شهری - در این ماده نوشته شده است که هر صادر کننده اسعار خود را ببقیمتی که در موقع صدور در اداره کمرک جنس تقویم شده است به دولت بفروشد بنده عرض میکنم که اگر این سیاست را تعقیب کنیم اصلاحات کمر صادرات حاصل میشود بدلیل اینکه قبل از وضع این قانون اغلب از اجناس ایران در بازارهای اروپا شرم می کرد و تاجر صادری کیننده مایه آن که در برابر این اجناس صادری اجناس اروپایی وارد خواهد کرد آن اجناسی که صادر میکرد صدی ده صدی بیست صدی بیست و پنج شرم را برای خودش راه میداد برای خرید جنس و وارد کردن اجناس اروپایی که جبران آن شرم را بکند حالا بواسطه وضع این قانون بازار اجناس اروپایی نلیزیمی نخواهد کرد و تصدیق بر فرمایشی که وضع این قانون در بازار اروپا ابدا مؤثر نخواهد بود بهیچوجه فرض فرمائید که بواسطه وضع این قانون گران نبوده بلکه ممکن است اربان ببود بواسطه آنکه زیاده خرج میشود پس اگر یک جنسی را تقویم کردید در کمرک صد تومان از آن صادر کننده هم صد تومان تعهد میگیرید که صد تومان اسعار را بشما بفروشد پس اولاً شما اینجا در برابر این صد تومان جنس صادره اجازه وارد کردن صد تومان جنس خودتان در صورتیکه قیمت حقیقی این جنس شصت تومان است و اگر نباید بیشتر از شصت تومان جنس وارد کند و اگر اجازه بدهید که به قدر صد تومان جنس وارد کند صدی چهل شرم است حالا آدمیم اگر وارد نکرده آنوقت تمام تاجار صادر کننده دچار کسری زحمانی

میشوند که ثابت بکنند بدولت که این جنس را که ما بردیم صادر کردیم این را ما توانستیم بفروشیم و باید برود وزارت اقتصاد ملی وزارت عدلیه وزارت دربار و وقت خودش و وقت وزرا را تلف کند که ثابت میکنند که من این قیمت که این جنس تقویم شده است توانستم بفروش و قیمت که تو روی این جنس گذاشته خریدار اروپایی را ملزم نمیکند که باین قیمت بخرد پس عقیده بنده این است که یک حاشیه قابل شوبد اگر میخواهد اسعار را بگیرد بک حاشیه قابل شوبد صدی بیست صدی سی حاشیه قابل شوبد که اگر تا این حدود تاجر شرم کرد دیال بیوت فرود که از کار و کاسبیش دست بکند فقط برای اینکه بشما ثابت بکنند که من باین قیمت تقویمت و صد لیره شما از او تعهد گرفته اید و شمت لیره فروخته است چهل لیره دیگری را و از کجا بیابود دیگری هم نیست که از او بگیرد حالا آدمیم که صدی هفتاد قیمت را تعهد کرد که به دولت بفروشد و صدی ده آنرا شرم کرد صدی بیست را شرم کرد و صدی ده زیاد ماند بگذارید این صدی ده را استفاده کند و یک تنویفی شده است برای صادر کنندگان چرا باید حتماً صدی صد را بدهد و بنده برای شما ثابت میکنم که این صدی صد بهیچوقت عملی نخواهد شد یعنی این قیمتی که شما این جا معین میکنید آنها نخواهند فروخت این یکی عرض دیگر بنده راجع به معدت است این جا نوشته شده است در ظرف مدتی که در موقع صدور تعهد خواهد کرد. این معدت را که معین خواهد کرد یعنی یک مدتی معین میشود بناوقتی نظر تاجر و رئیس کمرک با اداره جواز البته اداره جواز صرفه اش در این است که هر چه زود تر اسعار بدست بیابود بناجر میکوبد که من سه ماه بشو مهلت میدهم چهار ماه بشو مهلت میدهم صرفه اش در این است که آزاد باشد و به عجله جنس را بفروشد و اگر یک وقتی وارد بازار شد شرم میکند به عجله جنس تقویمت کرده و فروشش می کند هر چه

مفت دولتی را باید و اگر اختلافی در سر بیفتد حکمشان کی میشود؟ این جا حکم خواهد شد پس خوب است يك مدت حد اقل قائل شويد كه اگر اداره جواز یا رلیس كمره خوراست كم همین كند تا جر بگوید كه مطابق قانون بایستی رفتا كنی مثلا این جهت اجایی كه در قانون نوشته شده است با يكسالی كه معین شده میباشد میشود كتر از این دیگر چرا اما این كه بدون مدعت گذاشتند همیشه يك انگشلی برای مدت معین میشود و مورد تیکه برای جواز ورود يكسال وقت اقل شده لازم برای صدور مدعت زیاد تر لازم دارد در برابر وقت لازم دارد زیرا در وقت لازم چه وقت لازم ندارد از امر يكای جنس بخواهید در ظرف سه ماه سه ماه و نیم جنس وارد میشود از اروپا جنس بخواهید در عرض دو ماه ممكن است جنس وارد شود و برای آنها يك سال مدعت قائل شد و این در صورتیکه برای صدور جنس اگر برای اروپا باشد دو ماه دو ماه و نیم وقت لازم دارد كه جنس به محل برسد دو ماه دو ماه و نیم هم وقت لازم دارد كه يك بازار مساعد پیدا شود همین است يك وقتی جنس به بندر برسد كه كشتی حرکت کرده باشد هر روز هم كه كشتی برای بنادر حرکت نمیکند تا كشتی برگردد اینجا يك ماه چهل روز باید مهلت شود این تاجر تا چه مدت باید جنس خودش را به آنجا برساند الا اینجناس ایران هست كه در اروپا يكسال يكسال و نیم در ایبار مانده است كه فروش نرفته مثلا اگر صادر كندند قالی بخواهد صادر كند یا كاشی و موزونگی زیاد قالی كه در امریکا و لبنان و اسپانیا است چه مدتی برایش قبالل خواهد شد میخواهد در يكسال بفروشد و پولش را بیاورد اینجا ؟ در صورتیکه تجاری هستند كه يكسال و نیم قالیشان در امریکا هست و مجبور شده اند كه برای خارج انبار و كمرکن از اینجا پول فرستند شما این تاجر را ميكويد سند بمن بدهد كه اسامی كه از فروش این جنس حاصل میشود من میدهد يك اسامی اضافی كه لازم دارد برای مخاطره كمرکز آن مال پس این جا هم عتدیه بنده این است كه يك حداقلی برای مدت معین كند كه اگر توافق نظر حاصل نشد

يك راهی برای تاجر باشد كه بگوید آيا اين مدت دائر قبول دارم اگر اشناه نوازست ثابت كند كه بهتر اگر چنانچه اشناه نوازست ثابت كند بگوید اين مدتدا من قبول دارم. بكنی ديگر هم در شهادت اوليه دولت معین كرده بود كه در برابر حديق صدر يوايه هر كس كه بود اگر جنسی وارد می شد ذمه آن صادر كننده بری ميشد حالا این جا يك تفصیلات دیگری هم كرده اند و آن این است كه اگر خود صادر كننده حديق را آورد ذمه اش بری است و الا باید صدق مسامحتش را بدولت بدهد در صورتیکه من ماهی نمی ریم كه این صادر كننده. كه جنس را صادر کرده است و در برابر آن باید جنس وارد كند پني در برابر حق ورود بایمیدهند چه خودش وارد كند چنديكری وارد كند معادل آن جنسی كه صادر کرده است میتواند وارد كند این مسامحت را بنده در این ماده پیشنهاد میکنم.

فهره عدلیه - این جا يك مطلب باز تکرار شد راجع باینكه صادر كننده جنس را برای واردات مجازد کرده است ممكن است در آینه پوشش پوشش اینطور بشود ولی فعلا يك عده را خودشان میدانند بهتر از هر كس بنده هم میدانم كه اطلاعات تجاری نداره كه يك عده كلوشان در مملكت منحصر باینجا بوده و هیچوقت هم صادر نمیکردند برای اینکه وارد كند چرا این را اصل مسلم گرفتاید و باز تکرار ميكید این را اول يك اصل مسلمی گرفتاید بعد روی آن استلال ميكند در صورتیکه این طور نیست اصلا كه هر كس كنده جنس را صادر كند برای واردات البته باید عده از اشخاص بودند كه صادر میکردند خصوصا این اواخر برای واردات ولی عرض میکنم كه برای فروختن قاجاق اسامی خارجی يك عده جنس صادر ميكرد برای این كار این ممكن بود كه برای این كار صادر كند لیکن مساله كساصد كنده برای واردات این می اصل كلی نوده است و فعلا در آینه پیشنهاد میدهند بنده شما نشان میدهم يك عده را كه در آینه این مملكت جنس صادر ميكند و وارداتش هم با مصالح نخواهند بود و همان كلوشان صادر است حالا می آیم باین قسمت از بیانات نماینده محترم كفرموده

شما می آید این جا يك قبضه را كه دوازده تاخالیان قبت این جنس میدانند این را در نظر بگیريد و به آن مقدار عهد تیکرید و این جنس می رود دوازده خارج و به آن قیمت فروش نبرسد و بنده شما مطابق این قوتی كه كرده ام اسامی میخواهید و آن کسی كه نهاده كرده است كه شما اسامی بدهد در زحمت خواهد اناد پنی صادر كننده. بنده در جواب عرض میکنم كه اولاً اگر بنا شد اساس صادرات را روی ضرر باشد كه ما هر چه صادر كنیم ضرر صادر كنیم كه بنده می ریم این فرض اصلا وجود ندارد كه اگر تاجر دید يك مرتبه ضرر كرد این يكسالی است و مرتبه ضرر كراهی بچكیزی در مقسوم چند مرتبه اش میدهد كسب عده هم بگوید برای او قيم معین كند (خنده نمایندگان)

يك تاجر كيه دالما جنس بخارج میرود و همان تناسبی كه جنس صادر ميكند همان تناسب هم ضرر ميكند ...

فهره عدلیه - اجازه بفرمایید سوئش را بدهم خدمتتان بنده همان كار را كردم پس عملا چه ميشود ؟ عملا این می شود كه ممكن است همانطور كه شما میفرمایید يك زمني برای دوازده پیدا شود و يك اجناسی می خورد و حرف و روی باصلاح هو و بیاید و فرقی بكنند در صورتیکه همانطور كه گفتند در بازار خراج این هو و این حرف تأثیری نخواهد داشت و قیمت خودش را خواهد داشت این جنس - اگر بنا باشد كه يك همچو ترقیبی پیش بیاید يك مرتبه در مرتبه يك تجاری آمدند جنسی را خریدند بعد درند كه این جنسی را كه میرند آن چا كسی نخرند اصلا در آینه نخواهند خرید با این قیمت و مردم وقتی دیدند این جنس را از شان نخریدند باین قیمت با با میل یا با اكراه مجبور هستند كه قیمت را پایین بیاورند پس این ترقی و ضرر يك امر موقتی است و این روی هم و جنجال چیزی است كه موقتا میشی می آید و الا تیار مملكت را نمیشود كشت كه يك عده هستند كه بیچاره كلوشان این است كه هم این جنس را میفرود و میرند آطرف و ضرر ميكند و می آیند اینجا و ميكويدند

كه ما ضرر داریم و آن امر موقتی یا بایه قانون قرار بدهند باز هم عرض كرده كه راه حلی برای این كار هم معین كرده ام مثلا بیاید بگوید بهوجب اسناد و مداركی كه درادینجا علاوه صورت حساب كبرای فروش داردمی وارد دولت هم يك وقت و مهله خواهد كند الا اسناد صورت حساب ساختگی هم درست نكرد باشد این امر هم بگویم كه در حال صورت حساب واهی خودش را و هفتيكه داد و دولت دید كه واقعا ضرر کرده است بالاخره از كجای این آدم میتوانی بیابند بیره بگیريد در صورتیکه این مساله معین شد كه بیشتر از آنچه كه در آن صورت نوشته اند توانسته است كمر بیاورد و اگر بنا باشد كه این جنس را برد و ضرر كرد پس وسيله دارد كه برساند كه من بیش از این لبر ندارم و چون اقبال ضرر كرده ام نمیتوانم بدهم دولت هم موافقت ميكند اما این را نمیشود راه دانشی قرار داد برای تمام اشخاص كه خودشان را از نهاده برداشت و تلبیم اسامی بكنند (پونتهری يك حاشیه قرار بگذارید) اینجا آقای پونتهری يك نظری داشتند در كیبون گفتند رد شد در فرا كیبون فرمودند رد شد در مجلس اظهار ميكند باز ما با او موافق نیستیم پیشنهاد میدهند این خصوص ممكن است در كیبون بگذرد خودشان بحث ميكند در جهت دولت هم با حاشیه بكنند یا يك دليل بیشتر پیش از آنچه كه با حال گفتند بیاورد كه ما مانوجه قنوم كه ضرر است موافقت نخواهیم كرد و ممكن است بعد هم رد شود راجع به این مساله حاشیه ممكن است پیشنهاد فرمائیم. راجع به مدعت هم فرمودند بنده نیتخواهم اینجا وارد تفصیل قنونه بنوم ممكن است آقای پونتهری پیشنهادی در اینخصوص بكنند و در كیبون با حضور خودشان صحبت ميكند به بیتم ممكن است و خوب است كه يك حد اقل برایش قرار بدهیم از مثالهایی كه زدند نوي اجناس قالی را كرفته و فرمودند كه در سال آجیا مانده است حد اقل نهاده را بیايی و دو سال قرار بدهیم كه نمیتواند اگر بگذارند این را در نظرمانه معین كنیم

چتر است و یا اختصار در اکثر املاک است که آن جهت را اداره کرد و یا اداره دیگری که جواز مبادی جوش زمین کنند و بنده هم که مالک باشد یا از طرف او که نباید این اختیار را بدست آورد پس برای اینکه ممکن است از ترس سوء استفاده نمودن ما کتب این را بد نظرنامه بکناریم و با آن روی تجویز بزمین پستی و زمین نسبت به جنس و مملکت مقصد که باید چه جور نمید گرفت و چه جور پستی رعایت کرد و اگر پستی استهارا توجه ننده ایم بعد توجه دادند آن راه اشتباه کنیم با وجود این اگر پیشدانی دادید در این قضیه بدهید در کبیرون مورد مطالعه می شود ولی بنده از عرض میکنم و عقاب بنده و فکر بنده بیشتر بر روی زمین است که این قسمت مبادی بیشتر نظرنامه قابل شوم و باید نگاه کرد به جنس و نوع مالالتجاره و مرتبه که آن اجناس فروش برسد پتان چیزهاست هت که نباید مدت طولانی برایش گذاشت (بوشهری - همدان یکسال باشد) ولیک چیزهای دیگری که بعد مدت طولانی در آنجا اول دارد و باید برای آنها مدت طولانی مین کنیم آقا میفرمایند که یکسال قرار بدهید فردا این جا پتان شخصی آمدند جنس صادر کردند باید که در مقابل آنها یک اسداری بیاورند بدهند که در مقابل آن کسی که میخواهد جنس وارد کند بنده دولت بتوانم اسداری بدهم یا خیر ؟ اگر بنا باشد مدت طولانی گذاشتند در این مدت هیچ واردات نباید داشته باشند پس گذاشتن این در مدت نظرنامه بهتر است بواسطه اینکه تازه اول کار است و ما تجربه نداریم بهتر است که در نظرنامه بگذاریم. یک موضوع دیگری که فرمودند باز در کبیرون و در فراکسیون داچیه این است (خواهش میکنم آقایان در این وقت توجه بفرمایند) ما در قانون پس از مشاوره با اعتضاد کبیرون با اعتضاد فراکسیون آمدیم و آن فرمولی که داشتیم تغییر دادیم سابقا چه نوشته بودیم ؟ نوشته بودیم که وقتی که یک کسی جنسی صادر میکند مطابق قیمت قلوبی مدعی صد اسداریش را بدهد چه میشد مطلب ؟ این میشد که اگر شما پتان جنسی صادر میکردید باید اسداریان را بیاورید بفرشید بعد خودتان هم که خواستید

جنسی وارد کنید آنوقت باید باید بود اصلاح بدو چالی که اسداری می فرستند بایستند که بی بدها و بیو بر امروز شما اسداری جنسی خودتان را بنده تحویل میدهید بعد خودتان میخواستید جنسی وارد کنید بنده که اسداری میکردید میگویند که حالا سر کپه بنویس تا اولیغ بی برسد و ممکن بود که بدوید مطلب شویم اینها در کبیرون مذاکره کردم و بالاخره دولت موافقت کرد که پتان بگوییم آن اشخاصی که خودتان جنسی صادر کردتان آنها میتوانند اسداری بدهند یا جنس وارد کرد چرا اول ما کتبیم که اسداری میخواهیم برای این که در مرحله اول که واردات خارجی خودمان است اسداری وارد کنیم بولشرا بتوانیم پردازیم پس از برای واردات است پس اگر آن کسیکه خودش صادر کند است آن جنسی را که ما بخواهیم احتیاج داریم بی جنس وارد کرد برای چه دیگر ما با بگوییم که شما پستی اسداری بدهید و شما مصلحت شویم و برای وارد کردن جنس خودتان اسداری بخواهید بعد آن فرمول اولدا عرض کردیم که صادر کنند خود دارد که خودش اسداری بد مدنی که مین شده است جنس وارد کند حالا آقا بوشهری میخواهند یک قدم بالاتر بگذارند و آن چیست ؟ آن این است که میگویند صادر کنند اگر جنسی وارد کرد از نهم اسداریش صاف باشد و بتواند بدهد و اگر خدای کند بعبارة اخری برات فروشی بکنم منتهی حرفه آقایان است که من جنسی صادر بکنم بزرگ پیدا کردم برات فروشی بکنم اینکه دیگر موضوعی ز رسمی ازین میروید و دیگر کنترل نمی شود و منتهی خواهر داشت وقتی که شما اجازه دارید که بدون نظارت کنترل دولت بروید و برات فروشی بکنی که اگر برخاسته میشود آنرا باید انزال در نظر بگیرد و بنده نتیجه آن چیه است (بوشهری - توسل) با بفروشند) شما بایستی که هر کسی که میگوید من جنس در مقابل این جنسی که صادر کرده ام میخواهم وارد کنم بخش اجازه بدهید این خیلی خوب است و دیگر اسداری هم نمیخواهد اما آن کسی که میخواهد این را برود بازار غیر رسمی این اسداریش را به قاچاقی فروخت خلاصه اش این خواهد شد که بکنی کنترل و نظارت

فهم بخورید برای این که اگر میخواست پتان فروشد که کسی اشکال نمیکرد میخواهد آنرا برود در بازار غیر رسمی بازشی که خودش میخواهد به قاچاقی فروشد و این بکنی مطالبه قانون کنترل اسداری است و قانون کنترل اسداری اولی تا آخرش ازین خواهد رفت و از برای این مملکت بیخبر بنده باید گذاشت یکساله دو سال پتان قانونی بدهد که هر وقت بدهیم که این قانون از خودش را کرد و تا بل شد و تا آنجا خود اسداری واردات آنوقت این کنترل را ول کنیم اما هنوز که ننده است هنوز در آن مقدمه و قبل اول کار هستیم شما در پتان چنین بوهی میخواهید بکنی کنترل و نظارت اسداری ازین برود و تا آنوقت پتان سرحدات عرض و طول و وولک و باز که بالاخره از هر طرف جزای قاچاقی می شود کرد از یک طرف قاچاقی کند و از طرف دیگر هم جنسی وارد کند بدون اینکه (بمشیر) می شود این است) از دفتر کرد که وارد کرده پتان از راه دیگری وارد شود و بنده و آقا واقعا دلخوش هستیم که از سرحد واردات و صادرات مملکت ما تعامل کنیم و نهم نگاهش میکنم که این نظر خودتان را در این وقت تعقیب نکنید برای اینکه شما نت خوب دارید و این به نفع کسانی که میخواهند قاچاقی بکنند تمام میشود و قاچاقی خواهند کرد. یعنی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

فهم بخورید برای این که اگر میخواست پتان فروشد که کسی اشکال نمیکرد میخواهد آنرا برود در بازار غیر رسمی بازشی که خودش میخواهد به قاچاقی فروشد و این بکنی مطالبه قانون کنترل اسداری است و قانون کنترل اسداری اولی تا آخرش ازین خواهد رفت و از برای این مملکت بیخبر بنده باید گذاشت یکساله دو سال پتان قانونی بدهد که هر وقت بدهیم که این قانون از خودش را کرد و تا بل شد و تا آنجا خود اسداری واردات آنوقت این کنترل را ول کنیم اما هنوز که ننده است هنوز در آن مقدمه و قبل اول کار هستیم شما در پتان چنین بوهی میخواهید بکنی کنترل و نظارت اسداری ازین برود و تا آنوقت پتان سرحدات عرض و طول و وولک و باز که بالاخره از هر طرف جزای قاچاقی می شود کرد از یک طرف قاچاقی کند و از طرف دیگر هم جنسی وارد کند بدون اینکه (بمشیر) می شود این است) از دفتر کرد که وارد کرده پتان از راه دیگری وارد شود و بنده و آقا واقعا دلخوش هستیم که از سرحد واردات و صادرات مملکت ما تعامل کنیم و نهم نگاهش میکنم که این نظر خودتان را در این وقت تعقیب نکنید برای اینکه شما نت خوب دارید و این به نفع کسانی که میخواهند قاچاقی بکنند تمام میشود و قاچاقی خواهند کرد. یعنی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

پیشنهاد آقای فرشچی

تمام مبلغ ریاست اجناس شورایی اولی دولت شوکت این بنده پیشنهاد میکنم در ماه (۱۳) صدی صد تبدیل به صدی پیشنهاد شود

پیشنهاد آقای کارویی

در ماه ۱۳ ترتیب ذیل اصلاح پیشنهاد میکنم هر صادر کننده بازم است که در ظرف مدت یکسال صدی پیشنهاد خود را صادر کند خود را به میزان تقویم جنسی که در موقع صدور پدید می آید بدهد بولت بفرشد.

پیشنهاد آقای طباطبائی

پیشنهاد بنمایم مقرر دوم ماه ۱۳ به ترتیب ذیل اصلاح شود:

صدی صد اسداری خارجی صادرات خود را به میزان تقویم جنسی که در موقع صدور پدید می آید بدهد بولت بفرشد الی آخر.

توسلی

ماه چهاردهم قرائت میشود : ماه ۱۴ - نسبت به اجناسی که جزو قفله (ب) از ماه پنج بود و مطابق ماده شش قانون مسم اسداری خارجی اجازه ورود داشته و تا قبل ازدهم اسداری ۱۳۰۹ ببقصد مستقیم ایران حمل شده باشد تا آخر اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ اجازه ورود داده خواهد شد مشروط بر این که وارد کننده نتواند کند که به میزان اجناس ورودی خود معسولات ایران را در ظرف چهار ماه صادر نمود و یا بدقیق صدور تسلیم نماید

(مراضی بود)

رئیس - ماده پانزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۵ - کلیه اجناسی که جزء قمره (ب) ماده پنج بوده و پس از اجرای این قانون و بر خلاف مقررات آن وارد مملکت شود قاچاق محسوب و ضبط خواهد شد (مراضی بود)

رئیس - ماده ۱۶ قرائت میشود:

ماده ۱۶ - این قانون پس از تصویب به موقع اجرا گذارده میشود و وزارت اقتصاد ملی و سایر وزارتخانهها در حدود وظایف خود مسئول اجرای این قانون خواهند بود.

رئیس - آقای یاسالی

یاسالی - عرض میشود در این جا نوشته است وزارت اقتصاد ملی و سایر وزارتخانهها - مسئول اجرای این قانون خواهند بود در صورتیکه بنده عقیده ام این است که مأمور اجرای این قانون وزارت مالیه میشود اجرای این قانون اغلب بدست کمرکات است و تمام کارها مربوط بکمرک است و اجرای این کار بیشتر با مالیه است در صورتیکه آقای وزیر مالیه هیچ مجلس بشریف نیاروند حالا آقای وزیر اقتصاد - مداخله دارند خیلی خوب ولی بالاخره چقدر مداخله دارند فرضاً بوزارت پست و تلگراف چقدری مربوط میشود اصل تکلیف دو وزارتخانه است وزارت مالیه و در درجه دوم وزارت اقتصاد ملی است و این جا قضیه معکوس شده است باید نوشته شود وزارت مالیه و وزارت اقتصاد ملی (بوشهری - بوزارت مالیه مربوط نیست) وزیر عدلیه - عرض کنم اولاً در آن قسمت که در

وزارتخانه مأمور اجراست این يك نمره ولی است صحت در بعضی مواقع میکنند و بدین جهت وقتی که قانون نوشته میشود هیئت دولت مسئول اجرا است وقتیکه نوشته میشود هیئت دولت مأمور اجرای این قانون است در هر قسمتی که ممکن است مربوط بیک وزارتخانه دیگر شود مثلاً وقتی که راجع به قاچاق است و مجازات دارد البته مرجع آن محاکم عدلیه است وزارت عدلیه است حالا اگر میخواهند سریع باشد پیشنهاد بفرمایند از اول هم اینطور بود شاید در چاپش اشتباه شده.

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای رهنما و امیرآقابان: ماده الحاقیه - دولت مکلف است نسبت به کارخانجات و مؤسساتیکه برائز این قانون و در مدت اجرای آن برای رفع حوالج داخلی بوجود می آید سیاست حمایت را تعقیب و تا مدت پانزده سال تجارت اجناس منشاسی که بوسله کارخانجات مزبور تحصیل میشود در انحصار خود نگاهدارد. رهنما - ارکانی - اورنگ - طباطبائی دیبا یاسالی - اعتبار - مالک مدنی - هزار جریبی - بیلهانی لاریجانی - و دوسه نفر دیگر.

رئیس - رأی میکنیم برود درشور دوم و اوقاین با ورود درشور نانی قیام فرمایند (عدد کثیری قیام نمودند) تصویب شد.

۳ - موقع دستور جلسه بعد .. ختم جلسه |

رئیس - بانتظار پنجروز بین الكورین اگر اجازه میفرمایند جلسه آینده چهارشنبه بیستم اکتومبر ساعت قبل از ظهر (صبح است) (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - دادگر